

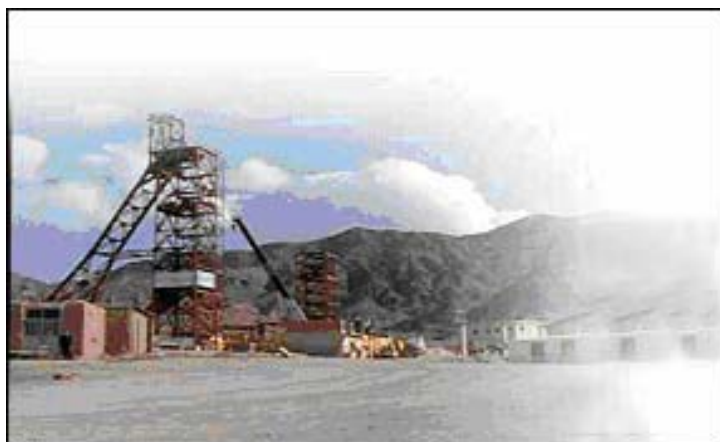
چپاول ثروتهای ملی با حق اتمی

از دکتر ن. واحدی

طبق گزارش سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی، (آقای قنادی - مراغه ای در سمپوزیوم بین المللی سالانه هسته ای در لندن WNA بسال ۲۰۰۳ و رئیس تولید سوخت هسته ای)، معدن اورانیوم "زغند" واقع در ۱۸۵ کیلومتری شمال شرقی یزد، حاشیه کویر لوت، دارای دو رگه (آنومالی) است که جمعاً ظرفیتی برابر با 1,550,000 تُن به غلظت %0,0533 دارد. عملیات این معدن در دودهنه صورت میگیرد. مدیر عملیات معدن آقای قاسم سلیمانی می باشد که در انگلیس آموزش دیده است. همینطور از قرار کارخانه استخراج اورانیوم در اردکان برای مصرف سالانه 120,000 تُن سنگ آماده شده است. لذا عمر معدن اورانیوم زغند تنها ۱۷ سال می باشد. از این رو تولید کیک زرد (اکسید اورانیوم U_3O_8 یا ORE) که اورانیوم غنی نشده است تنها حدود ۸۰ تُن در سال می باشد. با توجه به اینکه مصرف سالانه رآکتور بوشهر حدود ۲۰۰ تُن اورانیوم ۳ در صد غنی شده در سال خواهد بود ملاحظه میشود این معدن به هیچوجه نمی تواند نیاز سوخت حتی یک رآکتور را هم تأمین کند. اما واضح است که با بدست آوردن این مقدار اورانیوم میتوان سلاح اتمی ساخت. شکل ۱ معدن زغند و بهره برداری از آن را نمایش میدهد.

پیش بینی شده است که در این معدن جمعاً ۲۳۳ نفر کارگر و متخصص کار کنند. در حال حاضر ولی در آنجا ۱۲۵ نفر کارگر و ۳۳ نفر متخصص، که روسی هم در میان آنها دیده میشود، انجام وظیفه میکنند.

از نظر مالی، باید توجه داشت تا دوسال پیش که سرو صدای برنامه اتمی ایران دنیاگیر نشده بود، قیمت یک کیلو گرم اورانیوم حدود ۲۰ دلار بود. ولی اکنون چون در خاور میانه تب داشتن رآکتور اتمی بالا گرفته، قیمت اورانیوم استخراج شده نیز بالا رفته و به ۶۰ تا ۸۰ دلار هر کیلو رسیده است (بنابر کیفیت معدن).



شکل ۱ معدن زغند

این مطلب اهمیت بسزائی دارد. زیرا رآکتورهای موجود در جهان هر سال نیاز به تعویض بخشی از میله های اورانیوم سوخته شده خود دارند که به این شکل قیمت آنها حالا به ۳ تا ۴ برابر فزونی می یابد. چنین افزایشی نه تنها قیمت خرید رآکتور و برق اتمی را بالا می برد که مضافاً انرژی خورشیدی را در برابر انرژی اتمی با صرفه تر میکند.

اما از آنجا که معدن زغند (همینطور معادن اورانیوم دیگری در ایران) دارای غلظت کمی است، برای بدست آوردن یک کیلو گرم اورانیوم باید در حال حاضر حدود ۱۴۰ تا ۲۰۰ دلار هزینه نمود. از این رو حتی اگر ایران به رآکتور

اتمی برای تولید انرژی نیاز داشته باشد، این استخراج از نظر اقتصادی بی معنی است. چه اورانیوم و یا سوخت اتمی را می توان بسیار ارزان تر از کشورهای دیگری چون ازبکستان تهیه نمود. استدلال غیر وابسته بودن و یا خودکفائی مملکت حرف پوچی است. زیرا اولاً امروز هیچ کشوری در دنیا خود کفا نیست. در ثانی جمهوری اسلامی در مورد گندم و گوشت، بنزین، مواد پدکی برای صنعت نفت، حتی لباس و پوشاک و چادر زنان وووو سخت به کشورهای دیگر جهان وابسته است.

به شهادت عکسهای هوائی تهیه شده بوسیلهء ماهواره ها(شکلهای ۲ و ۳)، غنی کردن اورانیوم در نزدیکی نطنز در هشت متری زیر زمین صورت میگیرد.



شکل ۲ : محل غنی سازی در نطنز



شکل ۳ : ساختمان زیر زمینی در نطنز ، کارگاه غنی سازی اورانیوم با سانتریفوژ

در اینجا تا سال ۲۰۰۴ محوطه ای برای گنجاندن ۳۰۰۰ عدد سانتریفوژ در نظر گرفته شده بود که حالا به فضائی حدود ۱۰۰ متر در ۱۰۰ متر وسعت داده شده که می تواند ۵۰ هزار دستگاه را در خود جا بدهد. طبق گزارش البرادعی در این زیر زمین سانتریفوژ P1 و سانتریفوژ P2 که پاکستانی هستند، و همینطور نوع ساخته شده در اروپا نصب شده است.

بطور کلی دستگاه سانتریفوژ، برای غنی کردن اورانیوم، ابتدا بوسیله یک آلمانی به نام زیپ Zippe، اسیر جنگی در شوروی و به نام سانتریفوژ زیپ ساخته شده است. امریکاییها برای کار خود از دستگاه دیگری بنام دیفوزیون Difusion استفاده میکرده اند. بعد ها که زیپ آزاد و به امریکا رفت این دستگاه تکمیل شد و مورد استفاده شرکت یورنکو Urenco در هلند قرار گرفت. این همان شرکتی است که عبدالقادرخان پاکستانی ناگهان از امریکا به آنجا رفت و مشغول کار گردید و از قرار پس از مدتی نقشه های سانتریفوژ این شرکت را دزدیده و با خود به پاکستان برد که پس از دادن تغییرات کوچکی در آنها مشهور به سانتریفوژ P1 و P2 (نوع پاکستانی) گردید. به مدد این دستگاه ها عبدالقادرخان در پاکستان بمب اتمی ساخت و بعلاوه با فروش آنها به لیبی و کره شمالی و ایران پول هنگفتی بدست آورد.

سانتریفوژ P1 دستگاهی است که روتور آن (بخش چرخنده اش) آلومینیومی است و در ثانیه ۱۰۰۰ دور می چرخد. در حالیکه سانتریفوژ P2 دارای روتوری است که از آلیاژ فولاد، با کربن بسیار کم، و نیکل ساخته شده و در ثانیه ۱۵۰۰ دور می زند. این آلیاژ سخت و دارای قابلیت شکل گیری خوب و هادی مناسبی از نظر گرماست. از این جهت خطر خراب شدنش بسیار کم و ۶۰ درصد بازده بهتری نسبت به سانتریفوژ P1 دارد.

اما این سرمایه گذاری هنگفت و مخفیانه در ایران، که شرکتی بنام " کالا الکترونیک " به ریاست آقای " داود آقاجانی " سرپوش آن است (کسی که ضمناً رئیس اجرائی پروژه آب سنگین اراک نیز می باشد) دو اشکال بزرگ به همراه آورده است. اول اینکه بودجه محرمانه میلیاردها دولاری هرگز نمی تواند بوسیله مردم، یعنی سالار حاکمیت کشور، مورد ممیزی و بازجویی قرار بگیرد. مطلبی که نه تنها نشانه عدم وجود حکومت قانون است، قانونی که بقول همین حضرات وضع شده تا استقلال و حاکمیت مردم را تأمین و عدالت را در مملکت برقرار سازد، بلکه بیان چپاول ثروتهای ملی ایران بدست دزدانی است که با جنایت و تجاوز به حقوق ملت بر مسند دولت نشسته است و ادعای حراست از حقوق مردم را دارد. هانا ارنست میگوید، " آنجا که هیچ کس نمی داند بودجه کشور صرف چه کاری میشود ظلم و استبداد خانه میکند ".

دوم در هر کار و پروژه بزرگ مملکتی لازم است نه تنها به آن از دید اقتصادی بلکه مضافاً و بخصوص از زاویه علمی و فنی و با کمک متخصصین و کارشناسان کشور بطور انتقادی برخورد نمود. اما وقتی پروژه ای پنهانی صورت میگیرد، چون افراد زبده و ماهر و بی طرف مورد مشورت قرار نمی گیرند، نواقص و معایب آن نیز نمی تواند دیده شود. این نواقص و معایب در زیر تشریح میشوند.

۱- در دوران اکبر اعتماد و فعالیتهای رضا نیازمند و به کمک فرانسویها اطلاعات زیادی در باره معادن اورانیوم ایران وجود داشت. طبق این اطلاعات رگه های اورانیوم در ۱۰ نقطه مملکت یعنی یزد، اصفهان، خراسان، آذربایجان، سیستان، بلوچستان، هرمزگان، بندرعباس، بندر لنگه، کرانه های خلیج فارس کشف شده بود. اما هیچکدام از این رگه ها مرغوب نبودند. بر مبنای این اطلاعات از سال ۱۹۸۸ به ناگهان علاقه به این معادن سخت بالا گرفت. به ویژه جمهوری اسلامی به دو معدن علاقه نشان داد. یکی معدن زغند(یزد) که بهره گیری از آن ابتدا در عمق ۳۵۰ متری زیر زمین ممکن میشود، و دیگری معدن بندر عباس که رگه های آن روی زمینی است. اما معدن زغند ۸۰ تن و معدن بندر عباس حدود ۳۰ تن توانائی برداشت سالانه اورانیوم دارد. بنابر این علت علاقمندی حکومت به استخراج اورانیوم، آنهم بطور پنهانی، در دوران سلطه رفسنجانی و بعد خیلی زیادتر در دوران فرمانروائی خاتمی، معلوم نیست. به نظر میآید که حاکمان ایران اسلامی عمق

مطالب فنی را درک نمی کنند. بلکه تنها، در رابطه با بمب و ابر قدرت شدن مملکت، شیفته کلمه اتم می باشند.

۲- روابط پنهانی ایران با چین از سال ۱۹۸۴ آغاز شده است. در آن سال جمهوری اسلامی در سطح بالای مملکت تصمیم می گیرد اصفهان را بزرگترین مرکز فعالیتهای هسته ای خود بکند. این تصمیم با توجه به اینکه در سال ۱۹۸۱ قرارداد ساختن رآکتور بوشهر با آلمانیها لغو شده بود، تعجب آور است. بخصوص که دکتر **بردیا خواجهی**، مدیر حقوقی سازمان انرژی اتمی ایران خسارات هنگفتی را که با این عمل به مملکت وارد خواهد شد، به دولت وقت گوشزد کرده بود. شاید شهر اصفهان به دلیل پدران رژیم آخوندیسم، **صفویه**، برای آنها اهمیت دارد و میخواهند عظمت گذشته را، که پایان آن **شاه سلطان حسین** بود، تجدید کنند.

به هرحال دولت در حوالی ده **شهرضا**، بیرون از **اصفهان**، در آن زمان محلی را در نظر میگیرد و قرار میشود که چینیها در آنجا رآکتور کوچکی به قدرت ۲۷ کیلو وات نصب کنند که از جریان **نوترون** آن برای کار تحقیقاتی استفاده شود. این کار تحقیقاتی را چه کسی در آن سالهای ناامنی و جو جنگی سر سفره آخوندها گذاشته بود معلوم نیست. به ویژه باید توجه کرد که در آن زمان دسته دسته دانشمندان ایرانی به خارج از کشور فرار میکردند. چند سال بعد یعنی در سال ۱۹۹۰ طبق قرار دیگری چین متعهد میشود به ایران و در محلی که در بالا ذکر شد رآکتوری ۲۷ مگاواتی برای تولید **پلوتونیوم** بفرشد و ایرانیان را برای اینکار تعلیم دهد. امریکائیها با عکسهای هوایی که می گیرند، از اینکار مطلع میشوند و لابد به چین فشار وارد میکنند به نحویکه کار این رآکتور در اواخر سال ۱۹۹۱ نا تمام متوقف میشود. در همین منطقه ایجاد کارخانه ای برای تولید **فلور** و کار برد آن در غنی کردن اورانیوم با کمک شرکتهای آلمانی، انگلیسی و روسی در دهه ۹۰ میلادی آغاز شده است. افکاریکه در خلوت شکل گرفته اند تا مصون از انتقاد باشند.

۳- در سال ۱۹۹۵ رابطه ایران و روسیه در خفا ابعاد گسترده ای بخود میگیرد. یعنی بجای اینکه با شرکت **زیمنس** که رآکتور **بوشهر** را ساخته بود و چندین میلیارد ارز مملکت را بدون پایان کار گرفته بود تماس گرفته شود، با روسیه برای تکمیل رآکتور **بوشهر** قرار داد بسته میشود. در معاهده دو رآکتور ۱۰۰۰ مگاواتی برای **بوشهر** خرید می شود که از نوع **VVER-1000** می باشد. این رآکتور نظیر رآکتور "**بالاکوو**" **Balakovo** روسیه است که اخیراً دچار سانحه شده است. از آنجا که ژنراتور افقی این رآکتور طول بیشتری دارد تا رآکتور ۱۲۰۰ مگاواتی که قرار بود **زیمنس** در **بوشهر** نصب کند (که نشانه مرغوب بودن جنس آلمانی است) روسها مجبور میشوند ساختمان رآکتور را تغییر دهند و طول آن را دراز تر کنند. در این معاهده آمده است که روسها دو عدد رآکتور برق کوچکتری از نوع **VVER-440** (شاید برای نصب در طبرس) و یک رآکتور تحقیقی ۳۰ تا ۵۰ مگاواتی (برای اصفهان) و ۲۰۰۰ تن اورانیوم طبیعی و یک کارخانه غنی کردن اورانیوم نیز به ایران بفرشند و حدود ۳۰۰۰ نفر متخصص روسی در اینکار با ایرانیان همکاری کنند. به این دلیل حالا آقای **غلامرضا آقازاده** در سال ۱۹۹۷ با غرور اعلام میکند که ما میخواهیم ۲۰ درصد از برق لازم خود را از نیروگاه های اتمی بدست آوریم. امروز با همه پنهان کاریها معلوم شده است که پروژه **نیشابور**، یعنی ساختن کارخانه ای در حوالی این شهر در دهی به اسم **هما** و ۸۰ متر زیر زمین، برای چه کاری است. در منطقه **هما** که کارشناسان ایرانی و روسی سخت فعال هستند و به **ازبکستان** و **قزاقستان** (بخصوص معدن خراسان) بخاطر وجود معادن اورانیوم سرشار و مرغوب نزدیک می باشد، در سطح وسیعی غنی کردن اورانیوم و احیاناً تهیه بمب برنامه ریزی شده است.

۴- به وضوح معلوم است که در بندرعباس نه بخاطر معدن ناچیز اورانیومش بلکه بخاطر آب خلیج فارس، کارخانه تجدید میله های سوخت Recycling دایر خواهد شد. درست به این دلیل نیز کشورهای ساحلی خلیج فارس سخت مضطرب می باشند. زیرا اگر چنین کارخانه ای در آنجا افتتاح شود مانند کارخانه تجدید میله های سوخت **لاهاگ** La Hague در فرانسه و **سلافیلد** Sellafield در انگلیس آب دریا را چنان آلوده میکند که بسیاری از جانوران دریائی تلف خواهند شد و این بزرگترین مصیبتی است که می تواند گریبانگیر خلیج فارس شود که حیات آدمیان این منطقه را تضمین میکند.

۵- امروز با سرمایه گذاریهای هنگفتی در شهرها و دهات ایران چون ابوموسی، علی آباد، اراک، بندرعباس، بناب، بوشهر، دامغان، دورود، اصفهان، فسا، هما، کرج، لویزان، منظریه، مشهد، پارچین، قزوین، زغند، تبا وووووو، در رشته های موشک سازی و تولید سلاح شیمیائی(در دامغان) و غنی کردن اورانیوم و ایجاد امکاناتی برای تولید **پلوتونیوم**، کشور به یک قلعه ای از نظر حکومت تسخیر ناپذیر، درآمده است. در این قلعه ولی ۸۰ میلیون نفر ایرانی زندانی شده اند. در جمع ولی باید گفت چنین اعمالی به معنی سرمایه گذاری بزرگی است که راکد و بی ثمر خواهد ماند. زیرا نامعقول و نامطلوب و بی تناسب برای ملت ایران است. تنها حسن این سرمایه گذاری دلایلیهای کلانی است که حضرات گرفته اند و اعوان و انصاری که حالا بصورت **قشر تازه به دوران رسیده ها** برای ماندن رژیم سینه چاک میکنند.

نتیجه : به نظر میآید که انقلاب اسلامی ایران تنها به خاطر چپاول ثروتهای ملی ایران، خواه نیروی انسانی و خواه معادن ایران صورت گرفته است. چه قبل از آن هر پروژه بزرگی از طریق مناقصه بعد از شرکتی خارجی و یا داخلی واگذار میشود. موضوعی که سبب نارضایتی بسیاری از شرکتهای چپاولگر بین المللی شده بود. امروز دو کلمه مرموز یکی "محرمانه" و دیگری "حقّ اتمی" دروازه را بروی هر مقطعه کاری که بیشتر رشوه و دلالی بدهد باز می کند و کسی هم لزومی ندارد حساب پس بدهد. محلل همه کارها ۲۵ شرکت ایرانی و غیر ایرانی هستند که تابلال چندین میلیارد دلار مفت و مجانی حق کارسازی گرفته اند و در تمام کشورهای جهان حضور دارند و در ایران شبکه **لابی** برای خارجیها بوجود آورده اند.

شهر وندان هیچ کشوری این چنین در تاراج زادگاه خود سهمیم و مصر نیستند.

دکتر ن. واحدی

مونیخ ژانویه سال ۲۰۰۷